زندگی چگونه بود؟

تاریخ تحلیلی توسعه و خوشبختی در جهان ۱۸۲۰-۲۰۱۰

یان لوتن ون‌زاندن و همکاران

ترجمه و اضافات:
محمد سمیعی، محمد کریمی

نشرنی

این گزارش با مسئولیت دبیرکل سازمان همکاری و توسعهٔ اقتصادی[1] منتشر شده است. دیدگاه‌های بیان‌شده و مباحثی که در این گزارش مطرح شده است لزوماً بیانگر دیدگاه‌های رسمی این سازمان یا دولت‌های کشورهای عضو نیست.

این مکتوب و هر نقشه‌ای که در آن آمده، بدون جانب‌داری، به وضعیت یا حاکمیت هر منطقه، تعیین حدود مرزهای بین‌المللی، و نام‌گذاری منطقه، شهر یا ناحیه‌ای ناظر بوده است.

مشخصات متن اصلی:

van Zanden, J.L., et al. (eds.) (2014), *How Was Life?: Global Well-being since 1820*, OECD Publishing.

1. OECD: Organisation for Economic Co-operation and Development

فهرست مطالب

گفتار مترجمان ۱۳
سرسخن ۱۷
پیشگفتار ۱۹
سپاس ۲۳
راهنمای خوانندگان ۲۷
یادداشت هیئت نویسندگان ۲۹
یافته‌های اصلی ۳۰
فصل ۱: خوشبختی در جهان از ۱۸۲۰ ..... ۳۳
مقدمه ۳۵
هدف این پژوهش ۳۷
مروری بر شاخص‌های مورد بررسی ۴۰
کیفیت داده‌ها ۴۳
مقوله‌های کاربردی دربارهٔ پوشش کشورها ۴۵
نکات اصلی ۴۷
منابع ۵۳
فصل ۲: روندهای جمعیت‌شناختی از ۱۸۲۰ ..... ۵۵
مقدمه ۵۷
کیفیت داده‌ها ۵۸
جمعیت جهان ۱۸۲۰-۲۰۰۰: روندها و خط سیرها ۶۳

گذارهای جمعیتی ۶۹
پیامدهای تغییر جمعیتی ۷۶
اولویت‌ها برای پژوهش در آینده ۷۹
منابع ۷۹

فصل ۳: تولید ناخالص داخلی از ۱۸۲۰ ۸۳

مقدمه ۸۵
توصیف مفاهیم به‌کاررفته ۸۶
منابع تاریخی ۸۷
کیفیت داده‌ها ۹۰
نکات اصلی دربارهٔ روندهای تولید ناخالص داخلی از ۱۸۲۰ ۹۴
تغییرات ساختاری ۹۸
سهم مصرف در تولید ناخالص داخلی ۱۰۲
اولویت‌ها برای پژوهش در آینده ۱۰۳
منابع ۱۰۴

فصل ۴: دستمزدهای واقعی از ۱۸۲۰ ۱۰۷

مقدمه ۱۰۹
توصیف مفاهیم به‌کاررفته ۱۱۰
منابع تاریخی ۱۱۳
کیفیت داده‌ها ۱۱۵
نکات اصلی روندهای دستمزد ۱۱۹
همبستگی با تولید ناخالص داخلی سرانه ۱۲۳
اولویت‌ها برای پژوهش در آینده ۱۲۵
منابع ۱۲۵

فصل ۵: آموزش از ۱۸۲۰ ۱۲۹

مقدمه ۱۳۱
توصیف مفاهیم به‌کاررفته ۱۳۲
منابع تاریخی ۱۳۳
سواد ۱۳۳
سال‌های تحصیل ۱۳۴
کیفیت داده‌ها ۱۳۷

محدودیت‌های درنظرگرفتن تحصیلات و سواد همچون شاخصی برای خوشبختی ۱۳۷
نکات اصلی دربارهٔ روندهای تحصیلات ۱۴۰
همبستگی با تولید ناخالص داخلی سرانه ۱۴۴
اولویت‌ها برای پژوهش در آینده ۱۴۵
منابع ۱۴۶

فصل ۶: امید به زندگی از ۱۸۲۰ ۱۴۹

مقدمه ۱۵۱
توصیف مفاهیم به‌کاررفته ۱۵۳
منابع تاریخی ۱۵۴
کیفیت داده‌ها ۱۵۵
نکات اصلی دربارهٔ روندهای امید به زندگی ۱۵۸
همبستگی با تولید ناخالص داخلی سرانه ۱۶۴
اولویت‌ها برای پژوهش در آینده ۱۶۵
منابع ۱۶۷

فصل ۷: طول قد انسان از ۱۸۲۰ ۱۷۱

مقدمه ۱۷۳
توصیف مفاهیم به‌کاررفته ۱۷۵
منابع تاریخی ۱۷۷
کیفیت داده‌ها ۱۷۹
نکات اصلی دربارهٔ روندهای طول قد انسان ۱۸۴
همبستگی با تولید ناخالص داخلی سرانه ۱۸۹
اولویت‌ها برای پژوهش در آینده ۱۹۳
منابع ۱۹۴

فصل ۸: امنیت فردی از ۱۸۲۰ ۲۰۱

مقدمه ۲۰۳
توصیف مفاهیم به‌کاررفته ۲۰۴
منابع تاریخی ۲۰۶
کیفیت داده‌ها ۲۰۸
نرخ‌های قتل ۲۰۸
آیا داده‌های قتل نمایانگر نرخ عمومی جرم است؟ ۲۰۸
چقدر «تصویر تاریک» بزرگ است؟ ۲۰۹

چقدر اطلاعات در دسترس قابل اعتماد است؟ ۲۰۹
منازعات داخلی و خارجی ۲۱۰
نکات اصلی دربارهٔ روندهای امنیت فردی ۲۱۱
نرخ‌های قتل ۲۱۱
منازعات داخلی و خارجی ۲۱۸
روندهای منطقه‌ای ۲۲۰
همبستگی با تولید ناخالص داخلی سرانه ۲۲۳
اولویت‌ها برای پژوهش در آینده ۲۲۴
منابع ۲۲۵
فصل ۹: نهادهای سیاسی از ۱۸۲۰ ۲۲۷
مقدمه ۲۲۹
توصیف مفاهیم به‌کاررفته ۲۳۰
منابع تاریخی ۲۳۳
کیفیت داده‌ها ۲۳۵
نکات اصلی دربارهٔ روندهای نهادهای سیاسی ۲۳۸
توصیف روندهای جهانی ۲۳۸
روندهای منطقه‌ای ۲۴۲
همبستگی با تولید ناخالص داخلی سرانه ۲۴۷
اولویت‌ها برای پژوهش در آینده ۲۴۹
منابع ۲۵۰
فصل ۱۰: کیفیت محیط‌زیست از ۱۸۲۰ ۲۵۳
مقدمه ۲۵۵
توصیف مفاهیم به‌کاررفته ۲۵۷
شاخص نخست. آلودگی: دی‌اکسید گوگرد ۲۵۸
شاخص دوم. طبیعت ۲۵۹
شاخص سوم. تغییرات آب‌وهوا ۲۶۱
منابع تاریخی ۲۶۱
کیفیت داده‌ها ۲۶۳
نکات اصلی دربارهٔ روندهای کیفیت محیط‌زیست ۲۶۴
همبستگی با تولید ناخالص داخلی سرانه ۲۷۶

اولویت‌ها برای پژوهش در آینده ۲۷۸
منابع ۲۷۸
فصل ۱۱: نابرابریِ درآمد از ۱۸۲۰ ۲۸۳
مقدمه ۲۸۵
توصیف مفاهیم به‌کاررفته ۲۸۶
منابع تاریخی ۲۸۸
کیفیت داده‌ها ۲۹۲
نکات اصلی دربارهٔ روندهای نابرابریِ درآمد ۲۹۴
روندهای درون‌کشوری نابرابری ۲۹۴
همبستگی با تولید ناخالص داخلی سرانه ۳۰۰
اولویت‌ها برای پژوهش در آینده ۳۰۲
منابع ۳۰۳
فصل ۱۲: نابرابری جنسیتی از ۱۸۲۰ ۳۰۷
مقدمه ۳۰۹
توصیف مفاهیم به‌کاررفته ۳۱۲
منابع تاریخی ۳۱۵
کیفیت داده‌ها ۳۱۹
نکات اصلی دربارهٔ روندهای نابرابری جنسیتی ۳۲۲
همبستگی با تولید ناخالص داخلی سرانه ۳۳۸
اولویت‌ها برای پژوهش در آینده ۳۴۳
منابع ۳۴۴
فصل ۱۳: نگاه ترکیبی به خوشبختی از ۱۸۲۰ ۳۴۹
مقدمه ۳۵۱
توصیف مفاهیم به‌کاررفته ۳۵۷
نکات اصلی دربارهٔ روندهای شاخص‌های ترکیبی خوشبختی انسان ۳۶۱
بحث ۳۷۳
اولویت‌ها برای پژوهش در آینده ۳۷۴
منابع ۳۷۴
پیوست: اطلاعات مربوط به ایران ۳۷۹

بسم الله الرحمن الرحیم

گفتار مترجمان

مفهوم توسعه از دوران جنگ سرد وارد ادبیات دانشگاهی و سیاسی شد. اما در آن دوران مفهوم و کاربرد توسعه صرفاً اقتصادی بود و با شاخص‌هایی از قبیل تولید ناخالص داخلی سرانه و رشد اقتصادی سنجیده می‌شد. پس از جنگ سرد در حوزه‌های دانشگاهی و سازمان‌های بین‌المللی مباحثات و پژوهش‌های زیادی دربارهٔ توسعه مطرح شد که نشان می‌داد اگر درنهایت هدفمان از اندازه‌گیری توسعهٔ سنجش شرایط انسان و بهبود آن است، پس باید توجه داشته باشیم که نیازها و اهداف انسان بسیار فراتر از دامنه‌های اقتصادی است. البته اقتصاد مهم است، ولی همه چیز نیست. حتی شکوفایی در اقتصاد نیز خود مستلزم شکوفایی جوامع انسانی در عرصه‌های غیراقتصادی ازجمله آموزش، امنیت و سلامت است.

ازآن‌پس مفهوم و کاربرد توسعه بسیار گسترش یافت و شامل شاخص‌های متنوع دیگری در کنار شاخص‌های اقتصادی شد، تا آن‌جا که اکنون در دههٔ ۲۰۲۰ هنگامی که از توسعه سخن می‌گوییم و مثلاً یک کشور را از کشوری دیگر توسعه‌یافته‌تر می‌دانیم، یا در برنامه‌های توسعه در پی تحقق اهداف مهم هستیم، لازم و ضروری است که افزون بر اهداف و شاخص‌های اقتصادی به شاخص‌های متنوع دیگر توسعه نیز نظر داشته باشیم. در این میان، از همه مهم‌تر پیوند مفهوم توسعه و خوشبختی است.

در ۱۹ ژوئیهٔ ۲۰۱۱ مجمع عمومی سازمان ملل از دولت‌های عضو خواست «در چگونگی نیل به توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی و اندازه‌گیری آن اهمیت بیشتری برای شادمانی و خوشبختی» مردم خود قائل شوند.[1] این امر سرآغازی بود برای ورود رسمی خوشبختی در اندازه‌گیری میزان توسعه‌یافتگی. در این‌جا لازم است سه اصطلاح خوشگذرانی[2]، شادمانی[3] و خوشبختی[4] را از یکدیگر تفکیک کنیم. خوشگذرانی

1. https://news.un.org/en/tags/general-assembly/date/2011/date/2011-07 [accessed 7/1/2021]
2. hedonism
3. happiness
4. well-being

حالتی لذت‌بخش و گذراست که معیار مناسبی برای ارزیابی زندگی در کل نیست. شادمانی بیشتر جنبهٔ روان‌شناسانه دارد و در روان‌شناسی مثبت مورد توجه قرار می‌گیرد. اما خوشبختی نگاهی جامع به شرایط زندگی فرد دارد و فقط با درنظرگرفتن تمام عوامل دخیل در زندگی قابل قضاوت است. از این جهت، در دههٔ اخیر، شاخص اصلی گزارش‌های تحلیل توسعه‌یافتگی بیشتر خوشبختی بوده است.

شوربختانه منابع ترجمه‌شده دربارهٔ توسعه به فارسی، به اندازهٔ منابع موجود در زبان‌های دیگر، به این تغییر پارادایم در سنجش توسعه نپرداخته‌اند و این نقصانی بزرگ برای دانشجویان و پژوهشگران فارسی‌زبان است. ترجمهٔ اثر حاضر، که یکی از شاهکارهای پژوهش در مبحث تاریخ توسعه است و با تکیه بر هزاران تحقیق و در قالب همایش‌ها و مباحثات علمی فراوان در سازمان همکاری و توسعهٔ اقتصادی حاصل شده است، گامی در جهت جبران این نقصان است.

این کتاب که حاصل تلاش گروهی در سازمان همکاری و توسعهٔ اقتصادی است ارزیابی کم‌وبیش جامعی دربارهٔ مفهوم خوشبختی و توسعه و شاخص‌های آن‌ها به دست می‌دهد. نویسندگان در هر فصل دربارهٔ داده‌ها و نحوهٔ تحلیل و بررسی‌شان توضیحات مشروحی آورده‌اند که می‌تواند برای پژوهشگران آموزنده باشد، این‌که در هر جزء پژوهش باید دقت کافی صورت بگیرد و میزان خطا یا دقت هر داده روشن باشد. گفتنی است بیشترین خطاها یا محاسباتِ مبتنی بر برآوردْ به مناطق توسعه‌نیافتهٔ جهان و بیشترین دقت در داده‌ها به مناطق توسعه‌یافتهٔ غربی مربوط است. این امر طبیعی به‌نظر می‌رسد، ولی با کمی دقت درمی‌یابیم مناطق توسعه‌نیافته عموماً همان مناطق تحت استعمار بوده‌اند. ازآن‌جاکه استعمارگران غربیْ این کشورها و حتی اتباعشان را چون بردگان خود می‌پنداشته و به غارت منابع و امکاناتشان مشغول بوده‌اند، طبیعی بوده که اقدامی برای ثبت داده‌های این کشورها در سال‌های استعمار نکرده باشند. اما در کشورهای اروپای غربی، به دلیل بهره‌مندی از ثروتی که از دیگر نقاط جهان به اقتصادشان تزریق شده بود، اوضاع از این بابت مساعد و داده‌ها در بسیاری از حوزه‌ها در دسترس بود. گویا نویسندگان از کنار موضوع استعمار عبور کرده و چندان‌که باید به آن نپرداخته‌اند، حال‌آن‌که رشد اقتصادی غرب تا حد زیادی با غارت منابع دیگر کشورها حاصل شده است. برای مثال تغییر کلانی که به دنبال کشف نفت در ایرانْ در نیروی دریایی انگلستان و صنایع این کشور در آغاز سدهٔ بیستم حاصل شد، بی‌گمان مدیون نفتِ تقریباً رایگان ایران بود.

همان‌طور که اشاره شد این کتاب ثمرهٔ کاری گروهی است و در جای جای آن به نام‌های مختلفی اشاره شده که بیشتر غیرانگلیسی هستند. از چالش‌های ترجمهٔ این کتاب نگارش نام‌ها به خط فارسی بود و تلاش جدی به خرج داده شده است تا آن‌ها به‌درستی نوشته شوند و، برای اطمینان، املای اصلی هر نام در نخستین باری که ذکر شده در پانویس آمده است. چون نام‌های بسیاری در این کتاب بارها تکرار می‌شود، به همان یک بار بسنده شده تا نسبت درستی میان حجم پانویس‌ها و متن برقرار شود. دقت

دراین‌باره بیشتر از آن جهت بوده که در صورت علاقه‌مندی خوانندگان به پیگیری برخی موضوعات برای دسترسی به منابع به‌درستی هدایت شوند. از امتیازات بارز این کتاب همین معرفی منابع فراوان و مفیدی است که می‌تواند برای پژوهشگران بسیار راهگشا باشد.

نکتهٔ دیگر آن‌که در متون انگلیسی از اختصارات بسیار استفاده می‌شود، حال‌آن‌که در زبان فارسی جز دربارهٔ برخی اختصاراتِ اشهر همچون یونسکو، اوپک، یونیسف و نظایر آن‌ها کمتر از اختصارات استفاده می‌کنیم. در ترجمهٔ این کتاب نیز از اختصارات استفاده نشده و نام هر سازمانی کامل ذکر شده است.

در پانویس‌ها برای توضیح بیشترِ برخی موارد نکاتی قید شده و با علامت (مترجمان) در انتها از پانویس‌های متن اصلی تفکیک شده است. جدا از این، توضیحات منابع و اصطلاحات نیز در پانویس‌ها آمده است. بدین‌ترتیب در متن هیچ عبارت یا نام لاتینی مگر در جداول و نمودارها و توضیح آن‌ها به چشم نمی‌خورد و همهٔ این موارد به پانویس رفته است.

ازآن‌جاکه ایران عضو سازمان همکاری و توسعهٔ اقتصادی نیست اطلاعات مربوط به ایران به‌طور معمول در انتشارات آن سازمان آورده نمی‌شود. ولی به هنگام ترجمهٔ این کتاب به زبان فارسی لازم دیدیم برای مخاطب فارسی‌زبان اطلاعات ایران را نیز اضافه کنیم. این کار در «پیوست: اطلاعات مربوط به ایران» انجام گرفته است. در متن کتاب نیز، ذیل جداولِ اطلاعات کشورها، به جدول‌ها و نمودارهای مربوط به ایران در پیوست ارجاع داده شده است. امید است انتشار ترجمهٔ فارسی این کتاب بتواند گامی در راستای تصحیح و بهبود نگرشمان به موضوع توسعه و مفهوم خوشبختی در دو سدهٔ گذشته در جهان باشد و به سهم خود سبب شود تا بهتر و دقیق‌تر بدانیم ما ایرانیان در کجا ایستاده‌ایم.

سرسخن

در ادامهٔ مسیر انگس مدیسون[1]

در سال ۲۰۰۱ مرکز توسعهٔ سازمان همکاری و توسعهٔ اقتصادیْ کتاب انگس مدیسون با عنوان **اقتصاد جهانی ــ چشم‌انداز یک هزاره**[2] را منتشر کرد که به‌سرعت به اثری کلاسیک در تاریخ اقتصاد برای آمارشناسان، اقتصاددانان و مورخان بدل شد. انگس که از ۱۹۵۳ به سازمان همکاری و توسعهٔ اقتصادی پیوسته و یکی از بنیان‌گذاران مرکز توسعهٔ آن بود همکاری طولانی‌مدتی با آن داشت. این «نمودارْدوستِ» پرشور و اندیشه‌آفرین ــ نامی که همو برای خود برگزیده بود ــ بیشتر دوران کاری‌اش را صرف ارزیابی کمّی و تحلیل رشد بلندمدت بروندادِ[3]، و نیز دستاوردهای توسعه و رفاه اجتماعی در هزارهٔ گذشته، دربارهٔ هر تعداد ممکن از کشورهای جهان کرد. در این مسیر او کمک شایانی به یکی از مأموریت‌های اصلی سازمان همکاری و توسعهٔ اقتصادی، یعنی تأمین شواهد لازم برای سیاست‌گذاری، کرد.

با گذشت بیش از یک دهه از انتشار اثر پیش‌گام مدیسون، امروز بسیار خرسندیم که همراهی خود با میراث او را تجدید کنیم. ما این کار را با ارائهٔ گزارشی که هم با خدمات او به تاریخ اقتصاد مرتبط است و هم از آن عبور می‌کند به سرانجام می‌رسانیم. این گزارش به دلیل بُعد بلندمدت، جهانی و نیز پوشش دوران ۱۸۲۰–۲۰۱۰ با خدمات او مرتبط است. اما از آن عبور می‌کند، زیرا پا را از تولید ناخالص داخلی فراتر گذاشته است و مجموعهٔ گسترده‌تری از ابعاد شکل‌دهندهٔ شرایط زیستی آدمیان نظیر دستمزد، طول عمر، آموزش، قد، امنیت فردی و... را در بر دارد.

1. Angus Maddison
2. *The World Economy – A Millennial Perspective*
3. output

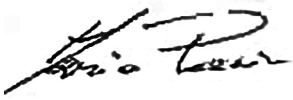
این کتاب که مؤید منتهادرجهٔ تلاش‌های صورت‌گرفتهٔ گروهی از مورخان اقتصاد است بخشی از پروژهٔ بین‌المللی و میان‌رشته‌ای کلیو-اینفرا[1] بوده است. ما این گزارش را در بستر **ابتکار زندگی بهتر** منتشر می‌کنیم که دبیرکل سازمان همکاری و توسعهٔ اقتصادی، انجل گوریا[2]، آن را در سال ۲۰۱۱ به‌عنوان بخشی از مأموریت این سازمان برای طراحی «سیاست‌های بهتر برای زندگی‌های بهتر» راه انداخت. عنوان این کتاب، «**زندگی چگونه بود؟**»، بر این امر تأکید می‌ورزد که میان ابعاد مختلف زندگی و وجوهی که در گزارش سازمان همکاری و توسعهٔ اقتصادی دربارهٔ خوشبختی، با عنوان **زندگی چگونه است؟**، به آن‌ها پرداخته شده هم‌ترازی وجود دارد. ما این گزارش را افزودن بُعد تاریخی لازم برای کار خود تلقی می‌کنیم که مقصود از آن مقایسهٔ عملکرد کشورها از منظری چندبُعدی (و چندرشته‌ای) و، همان‌طور که در سنت مرکز توسعه است، فراتر از کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعهٔ اقتصادی است.

مقولات مربوط به کیفیت داده‌ها برای هر گزارش تاریخی با چنین وسعت و گستره‌ای دغدغهٔ بزرگی خواهد بود. نویسندگان برای اطمینان از انسجام تاریخی بر منابع داده و مفروضاتی تکیه کرده‌اند که اغلب خام‌تر از آمارهای رسمی و نوین اداره‌های آمار است. بنابراین، داده‌های دورهٔ اخیر (از دهه‌های ۱۹۷۰ یا ۱۹۸۰) ممکن است حتی با آنچه در گزارش‌های سازمان همکاری و توسعهٔ اقتصادی و مرکز توسعهٔ آن دربارهٔ همین مقولات وجود دارد متفاوت باشد. ما ضمن آن‌که معتقدیم در تهیهٔ داده‌های ارائه‌شدهٔ این گزارش از برخی از بهترین منابع و نظرات تخصصی که هم‌اینک در دسترس است استفاده شده است تا انسجامی تاریخی فراهم آید، بااین‌همه این گزارش ادعایی ندارد که سخنی قطعی دربارهٔ این مقولات گفته باشد، بلکه بیشتر مشوقی است برای دیگر متخصصان تا پای در این عرصه بگذارند.

امیدواریم این کتاب به‌خاطر گسترهٔ جهانی، تاریخی و چندوجهی‌اش ادامهٔ میراث برجای‌مانده از کار انگس مدیسون باشد و ضمن آن تکمله‌ای کارآمد برای **ابتکار زندگی بهتر** سازمان همکاری و توسعهٔ اقتصادی فراهم آورد.



مارتین دوران[3]
سرآمارشناس سازمان همکاری و توسعهٔ اقتصادی
مدیر ادارهٔ آمار



ماریو پتسینی[4]
مدیر مرکز توسعهٔ سازمان همکاری و توسعهٔ اقتصادی

1. Clio-Infra
2. Angel Gurría
3. Martine Durand
4. Mario Pezzini

پیشگفتار

یان لوتن ون‌زاندن، دانشگاه اوترخت و دانشگاه‌های استلنبوش و خرونینگن[1]
یورگ باتن، دانشگاه توبینگن[2]
مارکو میرا درکول، مدیریت آمار سازمان همکاری و توسعهٔ اقتصادی[3]
ائوکا ریپما، دانشگاه اوترخت[4]
کانل اسمیت، مدیریت آمار سازمان همکاری و توسعهٔ اقتصادی[5]
مارسل تیمر، دانشگاه خرونینگن[6]

در سال ۲۰۱۱ سازمان همکاری و توسعهٔ اقتصادی گزارشی با عنوان **زندگی چگونه است؟ سنجش خوشبختی** منتشر کرد. این گزارش پیش‌قراول مجموعهٔ **ابتکار زندگی بهتر** این سازمان بود که هدفش پی‌ریزی رویکردی تازه برای سنجش خوشبختی، با تکیه بر ماهیت چندوجهی آن، و «نخستین تلاش در سطح بین‌المللی برای فراتررفتن از سطح مفهومی و ارائهٔ مجموعهٔ بزرگی از شاخص‌های قابل مقایسهٔ خوشبختی برای کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعهٔ اقتصادی، و تا حد مقدور، دیگر اقتصادهای بزرگ» بود. وانگهی این گزارش آوردهٔ مهمی به مبحث «تولید ناخالص داخلی و فراتر از آن» هم بود که در سال‌های اخیر در پی انتشار گزارش استیگلیتز[7]، سن[8] و فیتوسی[9] در سال ۲۰۰۹ نیروی تازه‌ای یافته است.

1. Jan Luiten van Zanden, Utrecht University and Universities of Stellenbosch and Groningen
2. Joerg Baten, Tuebingen University
3. Marco Mira d'Ercole, OECD Statistics Directorate
4. Auke Rijpma, Utrecht University
5. Conal Smith, OECD Statistics Directorate
6. Marcel Timmer, University of Groningen
7. Joseph E. Stiglitz
8. Amartya Sen
9. Jean Paul Fitoussi

همزمان گروهی از مورخان اقتصاد یک پروژهٔ همکاری بین‌المللی راه انداختند تا با استفاده از آخرین تحقیقات انجام‌گرفته در رشتهٔ تاریخ اقتصاد[1] ابعاد گوناگون تحولات نابرابری جهانی را در دورهٔ ۱۵۰۰-۲۰۱۰ به شیوه‌ای روشمند ترسیم کنند. سازمان تحقیقات علمی هلند[2]، فرهنگستان سلطنتی علوم[3] و دانشگاه‌های اوترخت و خرونینگن و همچنین پروژهٔ مدیسون از این پروژهٔ تحقیقاتی با عنوان کلیو-اینفرا حمایت مالی می‌کنند. پروژهٔ مدیسون تلاشی مشترک برای تداوم کاری است که به ابتکار انگس مدیسون، در جهت ایجاد مجموعه‌داده‌ای مشتمل بر تولید ناخالص داخلی، جمعیت و تولید ناخالص داخلی سرانه برای اقتصاد جهان در طول دو هزارهٔ گذشته، صورت پذیرفت. مدیسون همواره رابطهٔ نزدیک خود را با سازمان همکاری و توسعهٔ اقتصادی که کتاب‌های ترکیبی بزرگ او را دربارهٔ رشد اقتصادی بلندمدت در اقتصاد جهان در دههٔ ۱۹۹۰ و اوایل دههٔ ۲۰۰۰ منتشر کرد حفظ کرده بود. افرادی که در سازمان همکاری و توسعهٔ اقتصادی بودند می‌خواستند کار او ادامه یابد و ازاین‌رو به پروژهٔ مدیسون و کلیو-اینفرا پیوستند. این مجلد حاصل گفت‌وگوهایی پیرامون چگونگی تداوم کار مهمی است که مدیسون پیش‌گامش بود، و در جست‌وجوی راهی برای افزودن وجهی تاریخی به **ابتکار زندگی بهتر** سازمان همکاری و توسعهٔ اقتصادی.

تاریخ اقتصاد رشتهٔ کوچکی است که چند هزار متخصص در آن مشغول تحقیق و آموزش نسل بعد هستند. از زمان مطرح‌شدن «تاریخ اقتصادی جدید» در ایالات‌متحده، در دههٔ ۱۹۶۰، گرایش قدرتمندی در این رشته وجود داشت که می‌خواست با الهام از نظریه‌های اقتصادی، روش‌ها و فنون کمّی را به کار بگیرد. اما بخش زیادی از این تحقیقاتْ بر کشورها، مناطق و شرکت‌ها، به‌طور منفرد، متمرکز بود. برای مثال برخی مورخان اقتصادی دانش وسیعی دربارهٔ آفریقای جنوبیِ سدهٔ هجدهم یا اندونزیِ سدهٔ نوزدهم داشتند، اما چندان نمی‌توانستند ترکیب‌های موسّعی به دست دهند که ارتباط گسترده‌تری با هم داشته باشند. اخیراً زیررشتهٔ جدیدی با عنوان تاریخ اقتصاد جهان ظهور کرده و به طرح پرسش‌هایی دربارهٔ «شکاف بزرگ» (میان آسیا و اروپای بعد از انقلاب صنعتی) یا تداوم «توسعه‌نیافتگی» آفریقا دامن زده است. برای پاسخ‌دادن به پرسش‌های جهانیِ این‌چنینی نیازمند مجموعه‌داده‌هایی هستیم که وجوه گوناگون خوشبختی و عوامل تعیین‌کنندهٔ آن (نظیر نهادها و جغرافیا) را در بر داشته باشد.

همان‌طور که مدیسون در گذشته نشان داده است این دست مجموعه‌داده‌ها را تنها پس از انجام تلاش‌هایی بزرگ در تحقیقات ارزیابی‌شدهٔ متخصصان و استانداردسازی داده‌های کشورهای مورد مطالعه می‌توان ایجاد کرد. ازاین‌رو به یک همکاری جمعی نیاز داریم تا از پس پیچیدگی‌های گردآوری، منظم‌سازی و تحلیل داده‌های فراهم‌آمده از دامنهٔ گسترده‌ای از منابع مختلف برآییم. این کار نیازمند کوششی گروهی است، کاری که در نتیجهٔ آن متخصصان موضوعات، مناطق و دوره‌های مختلف، در

1. economic history
2. Netherlands Organisation for Scientific Research (NWO)
3. Royal Academy of Sciences (KNAW)

کنار هم، بتوانند مجموعه‌داده‌هایی استانداردشده از متغیرهای مهم تاریخی به دست دهند. این همان رویکرد پروژهٔ مدیسون است که بر گزارش‌های تخمینی تاریخی کشورها متمرکز است، و پروژهٔ بزرگ‌تر کلیو-اینفرا که شمار زیادی از وجوه و شاخص‌های توسعهٔ اقتصادی و خوشبختی را در بر دارد نیز از آن بهره برده است.

این گزارش محصول همکاری مشترک سازمان همکاری و توسعهٔ اقتصادی و پروژهٔ کلیو-اینفرا است برای آن‌که نگاهی چندوجهی و همسو با خط‌مشی **ابتکار زندگی بهتر** از تحول خوشبختی در جهان پس از ۱۸۲۰ ارائه کند. امیدواریم ارائهٔ این داده‌های تازه در این‌جا و به‌صورت برخط انگیزه‌بخش متخصصان علوم اجتماعی باشد تا چشم‌اندازی متفاوت و متنوع‌تر از تغییرات بلندمدت اقتصاد جهانی و نیز چگونگی تأثیر این تغییرات بر زندگی مردم جهان به دست دهند.

راهنمای خوانندگان

قراردادها:

- در تمام این گزارشْ داده‌هایی که دربارهٔ جهان و مناطق جهان آمده روی‌هم‌رفته میانگین‌هایی وزن‌گرفته براساس جمعیت است. هرگاه داده‌های بیشتری از کشورها در دوره‌های جدیدتر در دسترس قرار گرفته، پوشش اطلاعات کشورها نوعاً افزایش یافته است. به منظور اطمینان از ارائهٔ روندهای معنادارتر از مناطق جهان در طول زمان، برای کشورهایی که اطلاعاتشان در دسترس نیست داده‌هایی برای آن‌ها جانِهی شده است. فرایند این وزن‌دهی در فصل ۱ توضیح داده شده است.
- مطابق هر فصل، داده‌هایی که در جداول و ارقام نشان داده شده است ممکن است به یک سال خاص یا میانگین‌های یک دهه مربوط باشد. در موارد مربوط به دهه‌ها، برای مثال، داده‌ها به‌صورت «دههٔ ۱۹۹۰» نشان داده شده و مقادیر مربوطه میانگین دههٔ ۱۹۹۰–۱۹۹۹ است.
- کیفیت داده‌ها متناسب با گستره‌ها، مناطق و دوره‌ها تغییر می‌کند: ارزیابی کیفیت داده‌ها در جدول فشرده‌ای در هر فصل آمده است.
- داده‌های تاریخی با علامت RUS گاهی برای اشاره به داده‌های مربوط به اتحاد شوروی سابق به کار رفته است. چنین مواردی در پاورقی مشخص شده است.
- این مکتوب و هر نقشه‌ای که در آن آمده، بدون جانب‌داری، به وضعیت یا حاکمیت هر منطقه، تعیین حدود مرزهای بین‌المللی، و نام‌گذاری منطقه، شهر یا ناحیه‌ای ناظر بوده است.
- نشانه‌ها و اختصارات: از (...) برای نشان‌دادن مقادیری استفاده شده است که در دسترس نیستند.

در همهٔ نمودارها و جداول، اختصارات زیر برای کشورها و مناطق جهان به کار رفته است:

در این کتاب به ۲۵ کشور پرداخته شده است					
آرژانتین	ARG	پادشاهی متحدهٔ انگلستان	GBR	لهستان	POL
استرالیا	AUS	اندونزی	IDN	فدراسیون روسیه	RUS
برزیل	BRA	هند	IND	سوئد	SWE
کانادا	CAN	ایتالیا	ITA	تایلند	THA
جمهوری خلق چین	CHN	ژاپن	JPN	ترکیه	TUR
آلمان	DEU	کنیا	KEN	ایالات‌متحدهٔ آمریکا	USA
مصر	EGY	مکزیک	MEX	آفریقای جنوبی	ZAF
اسپانیا	ESP	نیجریه	NGA		
فرانسه	FRA	هلند	NLD		

مناطق جهان					
اروپای غربی	WE[1]	آمریکای لاتین و کارائیب	LA[2]	شرق آسیا	EA[3]
اروپای شرقی و اتحاد شوروی سابق	EE[4]	جنوب صحرای آفریقا	SSA[5]	جنوب و جنوب شرق آسیا	SSEA[6]
توابع غرب (آمریکا، کانادا، استرالیا و زلاند نو)	WO[7]	خاورمیانه و شمال آفریقا	MENA[8]		

1. Western Europe
2. Latin America and Caribbean
3. East Asia
4. East Europe and former Soviet Union
5. Sub-Saharan Africa
6. South and South East Asia
7. Western Offshoots
8. Middle East and North Africa

یادداشت هیئت نویسندگان

زندگی در سال ۱۸۲۰ چگونه بود و در طول زمان چگونه بهبود یافته است؟ نگاه ما به توسعهٔ اجتماعی‌ـاقتصادی پس از انقلاب صنعتی تا حد زیادی مبتنی بر شواهدی است که سیمون کوزنتس[1] و انگس مدیسون به شیوهٔ خود برای کشورها در طول تاریخ محاسبه و تولید کرده‌اند. اما روندهای تولید ناخالص داخلی سرانه به‌طور کامل نشان‌دهندهٔ ابعاد مختلف خوشبختی نظیر امید به زندگی، آموزش، امنیت فردی یا نابرابری نیست. سنجش‌هایی که هم‌اکنون در حوزهٔ توسعهٔ انسانی صورت می‌گیرد، به شکلی فزاینده، بیش از آن‌که صرفاً در قالب اصطلاحات اقتصادی بیان شود، در قالب واژگان خوشبختی ارائه می‌شود. اما آیا می‌توانیم دربارهٔ زندگی نیاکانمان نیز همین شیوه را به کار بگیریم؟

مورخان اقتصادی و دیگر متخصصان علوم اجتماعی همواره داده‌هایی تولید می‌کرده‌اند که ابعاد غیرمادی خوشبختی را برای سال‌هایی پوشش می‌داده است، اما این داده‌ها تاکنون به شکلی نظام‌مند در طول زمان و در مکان‌های مختلف با هم مقایسه نشده‌اند. مثلاً ممکن است اطلاعاتی دربارهٔ امید به زندگی در سدهٔ نوزدهم برای شماری از کشورهای اروپایی وجود داشته باشد، اما امکان مقایسه‌شان با ارقام مربوط به آفریقا وجود نداشته است. درنتیجه اکثر مطالعاتی که موضوعشان ترسیم روندهای توسعهٔ بلندمدت در جهان است، هنوز تا حد زیادی مبتنی بر تخمین‌های تولید ناخالص داخلی سرانه است. هدف این گزارش پرکردن این خلأ است. این گزارش برای نخستین بار شواهد نظام‌مندی از روندهای بلندمدت خوشبختی جهانی از ۱۸۲۰ ارائه می‌کند که مشتمل بر برآوردهایی برای شمار بسیاری از کشورهاست. روی‌هم‌رفته روندها برای ۲۵ کشور، هشت منطقهٔ جهانی و کل اقتصاد جهان ترسیم شده است. این کار با جمع‌آوری، همخوان‌سازی و مستندسازی برآوردها منطبق با آخرین پیشرفت‌های علمی و در قالب

1. Simon Kuznets

پروژهٔ کلیو-اینفرا به انجام رسیده است. این گزارش افزون بر ارائهٔ داده‌ها، به منابع و محدودیت‌هایشان هم می‌پردازد و با مرور کلی روندها مسیرهای اصلی برای تحقیقات بیشتر را مشخص می‌کند.

این گزارش ده بُعد مختلف خوشبختی را بررسی و آن‌ها را در طی زمان و در مکان‌های مختلف دنبال می‌کند و سپس شاخص ترکیبی تازه‌ای به دست می‌دهد. ابعادی که بررسی شده است نشان‌دهندهٔ رشتهٔ گسترده‌ای از وجوه مادی و غیرمادی خوشبختی یعنی تولید ناخالص داخلی سرانه، دستمزد واقعی، دسترسی به آموزش، امید به زندگی، طول قد، امنیت فردی، نهادهای سیاسی، کیفیت محیط‌زیست، نابرابری درآمد و نابرابری جنسیتی است. روشن است که کیفیت داده‌ها متناسب با شاخص‌ها، زمان‌ها و کشورها متفاوت خواهد بود. این گزارش مجموعه‌داده‌های تاریخی گوناگونی را برای ابعاد مشخصی از خوشبختی ارائه و دربارهٔ محدودیت‌هایشان بحث می‌کند، و دست آخر مشخص می‌کند در کجا می‌توان مطالعات بیشتری کرد.

این داده‌های تازه امکانی فراهم می‌کند که بتوان بر مبنای آن تحولات خوشبختی در سراسر جهان را در طول دو سدهٔ گذشته ترسیم کرد. از این داده‌ها می‌توان برای تحلیل مسیر گسترده‌تر توسعه یا تحلیل تفاوت‌های بروز و ظهور توسعه در یک بُعد مشخص در هریک از کشورها استفاده کرد. داده‌های این گزارش، به دلیل جامعیت و فراگیری خود در زمان و مکان، امکان طرح پرسش‌های بیشتر را فراهم می‌کند. آیا این شیوهٔ تازه برای نگریستن به توسعهٔ انسانی تصویری اساساً متفاوت با آنچه مبتنی بر تخمین‌های تولید ناخالص داخلی است به دست می‌دهد؟ اگر ما به‌جای تولید ناخالص داخلی از منشور خوشبختی بِدان می‌نگریستیم، آیا جهان بیشتر یا کمتر نابرابر می‌بود؟ این گزارش با پژوهشی نظام‌مند دربارهٔ همبستگی‌های میان تولید ناخالص داخلی سرانه و هریک از دیگر ابعاد خوشبختی، برخی پاسخ‌های ابتدایی را به دست می‌دهد. لازم به ذکر نیست که همبستگی‌های آماری[1] دربارهٔ روابط علی-معلولی احتمالاً اطلاعاتی به دست نمی‌دهند. اما این نخستین گامِ ضروری به‌سوی فهم بهتر روابط پیچیدهٔ میان جلوه‌های بیرونی متعدد خوشبختی و عوامل تعیین‌کنندهٔ آن‌هاست.

یافته‌های اصلی

این کتاب دربارهٔ روندهای تاریخی در ده بُعد مختلفِ خوشبختی شواهدی در اختیار می‌گذارد. برخی از این ابعاد همبستگی آماری قوی با تولید ناخالص داخلی سرانه دارد. **آموزش** (آن‌گاه که با سواد و دسترسی به آموزش سنجیده شود) و **وضعیت سلامت** (آن‌گاه که با امید به زندگی و طول قد سنجیده شود) در بسیاری از کشورهای جهان بسیار بهبود یافته است ــ بین این شاخص‌ها و تولید ناخالص

1. statistical correlations

داخلی سرانه همبستگی میان‌بخشی[1] و در طول زمان[2] وجود دارد. در حدود سال ۱۸۲۰ کمتر از بیست درصد جمعیت جهان سواد داشتند و بیشتر این گروهِ باسوادان در اروپای غربی ساکن بودند. نرخ سواد و مدرسه رفتن بعد از ۱۹۴۵ در بسیاری از مناطق جهان به‌شدت افزایش یافت و در سال ۲۰۰۰ به حدود ۸۰ درصد جمعیت جهان رسید. امید به زندگی در بدو تولد در اروپای غربیِ حدود سال ۱۸۳۰ تقریباً ۳۳ سال و در ۱۸۸۰، ۴۰ سال بود، و در دورهٔ بعدی با پیشرفت‌های کلانی که در نیمهٔ نخست سدهٔ بیستم صورت گرفت تقریباً دو برابر شد. در بقیهٔ جهان افزایش امید به زندگی از سطوح بسیار پایین‌تری شروع شد و به‌خصوص بعد از ۱۹۴۵ افزایش یافت. امید به زندگی در جهان از کمتر از ۳۰ سال در ۱۸۸۰ به حدود ۷۰ سال در ۲۰۰۰ رسید. شواهدی قوی وجود دارد که نشان می‌دهد طی دو سدهٔ گذشته رابطهٔ میان وضعیت سلامت و تولید ناخالص داخلی سرانه تغییر کرده است. به دلیل پیشرفت دانش و گسترش فناوری‌های حفظ سلامتْ امید به زندگی در جهان، حتی در زمانی که تولید ناخالص داخلی سرانه در رکود بوده، بهبود یافته است.

همبستگی آماری با تولید ناخالص داخلی سرانه برای دیگر ابعاد خوشبختی بسیار کمتر بود. اوضاع **نهادهای سیاسی** در سراسر جهان به لحاظ میزان مشارکت در انتخابات و رقابت طی سدهٔ گذشته بسیار بهتر شده است. اما باید افزود که توسعهٔ این نهادها اساساً تدریجی نبوده و گاهی در حیطهٔ حقوق سیاسی افت‌وخیزهای خشنی در برخی کشورها رخ داده است. همچنین **امنیت فردی** (آن‌گاه که با نرخ قتل و در معرض درگیری قرار داشتن سنجیده شود) همبستگی چندانی با تولید ناخالص داخلی سرانه ندارد. اروپای غربی از سدهٔ نوزدهم به بعد کاملاً از خشونت پاک شد، اما نرخ قتل در ایالات‌متحده طی همین دوران نسبتاً بالا بوده است. بخش‌های بزرگی از آمریکای لاتین، آفریقا و نیز اتحاد شوروی سابق (به‌ویژه پس از سقوط کمونیسم) «نقاط کانونی» جرائم خشن بوده و طی همین دوران در بخش‌های بزرگی از آسیا نرخ قتل پایین بوده است.

در مورد **کیفیت محیط‌زیست** آشکارا به همبستگی منفی با تولید ناخالص داخلی سرانه برمی‌خوریم. با تغییر کلان نحوهٔ بهره‌برداری از زمین تنوعِ زیستی در همهٔ مناطق[3] و در سراسر جهان کاهش یافت. بعد از انقلاب صنعتیْ سرانهٔ انتشار گاز دی‌اکسید کربن در اروپای غربی و توابع آن افزایش یافت و این روند در اواسط سدهٔ بیستم، همزمان با افزایش تولید ناخالص داخلی، در دیگر نقاط جهان شدت گرفت، و

1. cross-section
2. over-time

۳. عبارت «همهٔ مناطق» در کنار «سراسر جهان» بارها در این کتاب تکرار می‌شود و درحالی‌که به نظر می‌رسد این ترکیب در فارسی نوعی حشو است، اما درواقع منظور نویسندگان جلب توجه خوانندگان به ارقام تفکیکی مربوط به بررسی ابعاد مختلف خوشبختی در هریک از هشت منطقهٔ تعریف‌شده در بخش «راهنمای خوانندگان» این کتاب است که اغلب با هم متفاوت هستند و سپس رقم کلی مربوط به همهٔ جهان که برآیند یا میانگین آن‌هاست (مترجمان).

هنوز در حال افزایش است. سرانهٔ انتشار گاز دی‌اکسید گوگرد (که یک آلوده‌کنندهٔ محلی است) نیز همراه با افزایش تولید صنعتی افزایش یافت، اما از دههٔ ۱۹۷۰ به لطف پیشرفت فناوری‌های پاک‌تر مهار شد.

روندهای بلندمدت در **نابرابری درآمد**، آن‌گاه که با توزیع درآمد خانوار پیش از کسر مالیات میان افراد سنجیده شود، در بیشتر کشورهای اروپایی و توابع آن‌ها از یک منحنی سهمی پیروی کرده است. این منحنی از پایان سدهٔ نوزدهم تا حدود ۱۹۷۰ روندی نزولی داشته و سپس صعودی شده است. در اروپای شرقی کمونیسم باعث کاهش هنگفت نابرابری درآمد شد، اما بعد از فروپاشی در دههٔ ۱۹۸۰ این نابرابری بسیار افزایش یافت. در دیگر نقاط جهان، به‌ویژه درچین، نابرابری درآمد اخیراً افزایش یافته است. توزیع درآمد در میان همهٔ شهروندان جهان در سدهٔ نوزدهم به شکل منحنی تک‌اوجی است، اما در فاصلهٔ ۱۹۱۰ تا ۱۹۷۰ به شکل فزاینده دارای دو نقطهٔ اوج شده و ناگهان در فاصلهٔ ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰ به توزیع تک‌اوجی بازگشته است.

نابرابری جنسیتی، آن‌گاه که از نظر وضعیت سلامت، وضعیت اجتماعی‌ـاقتصادی و حقوق سیاسی سنجیده شود، طی ۶۰ سال گذشته در بیشتر مناطق جهان از روندی کاهشی برخوردار بوده است. تنها در شرق آسیا و اروپای شرقی از دههٔ ۱۹۸۰ روند کاهش نابرابری جنسیتی متوقف شده است. اما تفاوت‌ها در میزان نابرابری جنسیتی در مناطق مختلف هنوز از لحاظ آماری معنادار است: اروپا (شامل اروپای شرقی) و توابع غرب بهترین عملکرد را داشته‌اند (البته هیچ کشوری به برابری کامل جنسیتی نرسیده است). خاورمیانه و شمال آفریقا (بیشتر به دلیل ضعف حقوق سیاسی) و جنوب و جنوب شرق آسیا (به دلیل دست‌کاری در نسبت جنسیت نوزاد) بدترین عملکرد را داشته‌اند.

شاخص ترکیبی خوشبختی که در این گزارش ارائه شده نشان می‌دهد که به‌استثنای کشورهای جنوب صحرای آفریقا بهبود خوشبختی از اوایل سدهٔ بیستم فراگیر بوده است. شواهدی که در این گزارش ارائه شده همچنین نشان می‌دهد که از دههٔ ۱۹۷۰ نابرابری کشورها در شاخص ترکیبی خوشبختی کمتر از نابرابری‌شان از نظر تولید ناخالص داخلی سرانه بوده است، گرچه این نابرابری در دورهٔ پیش از آن بیشتر عنوان می‌شود.

روی‌هم‌رفته، این کتاب به جمع‌آوری، تلخیص و بحث انتقادی در مورد دانش فعلی‌مان از روندهای بلندمدتِ خوشبختی جهانی در طول دو سدهٔ گذشته پرداخته است، و گرچه در مقایسه با زمانی که تنها تولید ناخالص داخلی سرانه مدنظر قرار گیرد، نگاه بهتری به این موضوع دارد، اما نقاط ضعف در دانش ما، به‌ویژه دربارهٔ توسعه در آفریقای پیش از ۱۹۵۰ و کشورهای بزرگ آسیاییِ سدهٔ نوزدهم، هنوز به قوت خود باقی است. امید می‌رود این کتاب انگیزهٔ لازم برای پژوهش‌های بیشتر در این حوزه‌ها را فراهم کند.

فصل ۱: خوشبختی در جهان از ۱۸۲۰

یان لوتن ون‌زاندن، دانشگاه اوترخت،
یورگ باتن، دانشگاه توبینگن،
مارکو میرا درکول، مدیریت آمار سازمان همکاری و توسعهٔ اقتصادی،
ائوکا رییما، دانشگاه اوترخت،
کانل اسمیت، مدیریت آمار سازمان همکاری و توسعهٔ اقتصادی
مارسل تیمر، دانشگاه خرونینگن

این فصل دربردارندهٔ مقدمه و چکیده‌ای از محتوای کتاب پیش‌رِو است. در این‌جا هدفِ این پروژه ترسیم و نکاتی دربارهٔ شاخص‌های مورد بررسی گفته می‌شود و سرانجام این شاخص‌ها با شاخص‌های **ابتکار زندگی بهتر** سازمان همکاری و توسعهٔ اقتصادی مقایسه می‌شود. در این فصل همچنین معیارهای به‌کاررفته در سراسر این گزارش برای ارزیابی کیفیت این شاخص‌ها معرفی و سپس مقوله‌های عملی مربوط به کشورها، دورهٔ مورد بررسی و محاسبات روندهای منطقه‌ای به بحث گذاشته می‌شود. در پایان خلاصهٔ محتوای هر فصل و نکات اساسی آن ارائه می‌شود.

مقدمه

نابرابری جهانی در خوشبختی در میان کشورها یکی از ویژگی‌های دائمی اقتصاد جهانی، دست‌کم از زمان انقلاب صنعتی، بوده است که در حدود ۲۰۰ سال پیش آغاز شد. حدود سال ۱۸۲۰ میانگین درآمد واقعیِ ثروتمندترین مناطق در اقتصاد جهانی حداکثر پنج برابر میزان درآمدِ فقیرترین مناطق جهان بود و همان‌طور که در این کتاب نشان داده شده تفاوت در دیگر مقیاس‌های رفاهی از این مقدار نیز کمتر بوده است. از آن هنگام یک «واگرایی بزرگ» رخ داده است که نتیجه‌اش نابرابری‌های کلان خاص جهان امروز است. از زمانی که آدام اسمیت[1] کتاب **ثروت ملل**[2] را نگاشت این نابرابری مقوله‌ای اساسی در دانش اقتصاد بوده است. اما واگراییْ حالتی طبیعی نیست. ما در دوره‌های تاریخی زندگی می‌کنیم و از نقطه‌نظر امروز چنین می‌نماید که به دلیل رشد سریع درآمد واقعی در چین، هند و آفریقا روند نابرابری در سراسر جهان حول‌وحوش اواخر سدهٔ بیستم (به فصل یازدهم نگاه کنید) به نقطهٔ اوج خود رسید [و ازآن‌پس کاهنده شد]. این نکته بدان معناست که شاید در حال ورود به دورهٔ تازه‌ای در توسعهٔ اقتصاد جهانی هستیم که ویژگی آن، به جای پیشتازی ملل مترقی، جبران توسعه‌نیافتگی مناطق توسعه‌نیافته است.

بخش زیادی از آنچه ما دربارهٔ روندهای بلندمدت رفاه می‌دانیم مبتنی بر تخمین‌های تاریخیِ تولید ناخالص داخلی واقعی است که نخستین بار انگس مدیسون در دو کتاب خود با عنوان‌های **اقتصاد جهانی: چشم‌انداز یک هزاره** (۲۰۰۱)[3] و **اقتصاد جهانی: آمارهای تاریخی** (۲۰۰۳)[4] به‌طور خلاصه ارائه کرد. از دید او که پژوهش‌های اخیر نیز آن را تأیید می‌کند، از همان آغاز فرایند صنعتی‌سازی (در حدود ۱۸۲۰)، اروپای

1. Adam Smith
2. *Wealth of Nations*
3. Maddison, A. (2001), *The World Economy: A Millennial Perspective*, Development Centre Studies, OECD Publishing, *http://dx.doi.org/10.1787/9789264189980-en*.
4. Maddison, A. (2003), *The World Economy: Historical Statistics*, Development Centre Studies, OECD Publishing, *http://dx.doi.org/10.1787/9789264104143-en*.

غربی بسیار ثروتمندتر از بقیهٔ جهان بود. اما نسبت میان پادشاهی متحدهٔ انگلستان، که در آن زمان «سرآمد نیروی تولید» بود، و بخش‌های فقیر جهان حداکثر پنج به یک بود. سدهٔ نوزدهم دورانی از واگرایی بود که طی آن ثروتمندان ثروتمندتر شدند ـ اروپای غربی و توابع آن (ایالات‌متحده، کانادا و استرالیا) از تغییرات فناوری که انقلاب صنعتی آن را شکوفا کرده بود، بهره‌مند شدـ درحالی‌که دیگر نقاط جهان (چین، هند و اندونزی)، تا حدی به دلیل صنعتی‌نشدن و استثمار استعماری، شاهد سقوط تولید ناخالص داخلی خود یا در بهترین حالت رکود آن بود.[۱] در نیمهٔ نخست سدهٔ بیستم ایالات‌متحده بیش از همه به‌سرعت پیش تاخت، اما فاصلهٔ درآمدی کشورهای دو سوی اقیانوس اطلس، که در نتیجهٔ این پیشتازی حاصل شد، در شکوفایی پس از جنگ بین سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۳ بار دیگر کاهش یافت. به‌تدریج دیگر نقاط جهان نیز مشارکت در فرایند رشد مدرن را پیشه کردند که گاهی استعمارزدایی به کمک آن می‌آمد. شرق آسیا به‌طور مشخص پس از دههٔ ۱۹۶۰ خوب عمل کرد و پس از سال ۱۹۸۰، که چین نیز به این باشگاه واگرایی پیوست، به پویاترین حوزهٔ اقتصاد جهانی تبدیل شد. اما رشد اقتصادی در آفریقا بسیار جزئی و مقطعی بوده است و این قاره همچنان از بقیهٔ اقتصاد جهانی عقب است. در این کتاب تلاش می‌کنیم تا دریابیم که اگر دامنهٔ تحلیل خود را گسترده‌تر کنیم و شماری از دیگر شاخص‌های نشان‌دهندهٔ روندهای فراگیرتر در خوشبختی را لحاظ کنیم، آیا این الگوهای مبتنی بر تولید ناخالص داخلی تأیید می‌شوند.

مدت مدیدی است که سنجش رفاه براساس میزان تولید ناخالص داخلی مورد نقد است و این بحث در سال‌های اخیر با انتشار گزارش استیگلیتز[۲]، سن و فیتوسی[۳] در سال ۲۰۰۹ جان تازه‌ای یافته است. امروزه آگاهی از این‌که رقم تولید ناخالص داخلی فقط بخشی از سرشت چندبُعدی خوشبختی را، به معنای آنچه برای زندگی مردم مهم است، تبیین می‌کند فزونی یافته است. بسیاری از شاخص‌های کهنه و نو برای کیفیت زندگی، نظیر امید به زندگی و میزان دسترسی به آموزش، جهت افزودن به برآوردهای تولید ناخالص داخلی پیشنهاد شده است. پیشرفت‌های بسیاری در اندازه‌گیری‌های تکمیلی و موجز، نظیر شاخص توسعهٔ انسانی[۴] که برنامهٔ توسعه و پیشرفت سازمان ملل ارائه می‌کند[۵]، و ساخت جدول‌های تفصیلی شاخص‌های اصلی، نظیر آنچه سازمان همکاری و توسعهٔ اقتصادی در **ابتکار زندگی بهتر** به کار گرفت[۶]، صورت گرفته است. این کتاب با برگزیدن چشم‌اندازی بلندمدت دربارهٔ خوشبختی و توسعه، و نیز با نگریستن نظام‌مند به رابطهٔ غالباً متغیرِ تولید ناخالص داخلی سرانه و دیگر شاخص‌های خوشبختی

۱. در این‌جا نویسندگانْ استعمار و استثمار را، با ظرافت، موجب بدبختی کشورهای استعمارشده دانسته‌اند، ولی به نقش سرمایه‌های فراوانی که از آن کشورها غارت شده و به کشورهای استعمارگر سرازیر شده بود، در ایجاد رونق و ثروت، اشاره‌ای نمی‌کنند. گویی فقط انقلاب صنعتی رمز شکوفاییِ کشورهای استعمارگر بود. حال‌آن‌که خود انقلاب صنعتی در پی رونق اقتصادی کشورهای استعمارگر و گرمی بازار تجارت‌های استعماری و برده‌داری رخ داد (مترجمان).

2. Stiglitz
3. Fitoussi
4. Human Development Index (HDI)
5. UNDP, 2010
6. OECD, 2013

که ذکرشان رفت، گام تازه‌ای در این مبحث برداشته است. این چشم‌انداز بلندمدت برگرفته از دیدگاهی امروزی است (یعنی مبتنی بر آن دسته از دغدغه‌هایی که بیشترِ پژوهشگران امروزی آن‌ها را برای یک زندگی خوب حیاتی تلقی می‌کنند) و اطلاعات مربوط به آن برگرفته از شاخص‌های آماری‌ای است که اگرچه همواره همهٔ ملزومات امروزی برای آمارهای باکیفیت خوب را برآورده نمی‌کنند، اما بهترین ارزیابی تطبیقی بلندمدت از مقولات در دست بررسی را فراهم می‌آورند.

هدف این پژوهش

هدف این کتاب ارائهٔ چشم‌اندازی حقیقتاً بلندمدت دربارهٔ شاخص‌های خوشبختی است که تولید ناخالص داخلی سرانه را تکمیل می‌کنند. بیشتر منابع موجود که داده‌های تاریخی را جمع‌آوری کرده‌اند، جز مواردی استثنایی، به دوران پس از جنگ‌جهانی دوم می‌پردازند. این گزارش مجموعه‌ای از سری‌های زمانی[1] دیگر را از ۱۸۲۰ به بعد ارائه می‌کند که دربردارندهٔ طیف گسترده‌ای از کشورها در همهٔ مناطق جهان است. نقطهٔ عزیمت ما کاری است که مدیسون و همکارانش انجام داده‌اند و در فصل ۲ آخرین یافته‌های مربوط به تغییرات تولید ناخالص داخلی واقعی در اقتصاد جهانی را طی ۲۰۰ سال گذشته ارائه می‌کنیم. مفهوم تولید ناخالص داخلی و مفاهیم مرتبط، نظیر درآمد ملی، آن‌قدر زیاد مورداستفاده و، ازاین‌رو، مورد نقد قرار گرفته‌اند که وقتی می‌خواهیم شاخصی قابل مقایسه برای بروندادی اقتصادی در طول زمان و در سطح کشورها داشته باشیم، گاهی فراموش می‌کنیم اندازه‌گرفتن تولید ناخالص داخلی چه فکر خوبی بوده است و همچنان نیز فکر خوبی است. تولید ناخالص داخلی کمیت کالاها و خدمات تولیدی (در محدودهٔ نظام محاسبات ملی[2]) را در یک کشور مشخص در یک سال اندازه می‌گیرد. این شاخص که تابعی از مجموعهٔ شرایط است شاخص خوبی برای نشان‌دادن میزان دسترسی مردم یک جامعهٔ مشخص به کالاها و خدماتی است که به‌روشنی برای خوشبختی اقتصادی‌شان ضرورت حیاتی دارد. مورخان اقتصادی «رشد پایدار» سرانهٔ تولید را شاخص‌ترین وجه اقتصاد «مدرن» می‌دانند که پس از انقلاب صنعتی به وجود آمده است، چون این پدیده نشان‌دهندهٔ فرصت‌های پیشرفت در بسیاری از حوزه‌های زندگی نظیر وضعیت سلامت و آموزش است. این رشد اقتصادی ـ برآمده از سرمایه‌گذاری و تغییر فناوری ـ است که نهایتاً توانست بخش بزرگی از جمعیت جهان را از فقر جمعی جهان پیشاصنعتی برهاند. اما تولید ناخالص داخلی سرانه تا چه حد با شاخص‌های دیگر خوشبختی همبستگی دارد؟ در مواردی خاص، بهبود در سلامت و امید به زندگی یا دسترسی به آموزش، ممکن است به دلیل تغییرات

1. time-series

مجموعه‌اعدادی که در فواصلی معین از یک متغیر گردآوری می‌شود (مترجمان).

2. System of National Accounts

مستقلی که در فناوری پزشکی یا سیاست دولت‌ها در تنظیم مقررات نظام آموزشی رخ داده است، بسیار سریع‌تر از میزان افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه بوده باشد. در مواردی دیگر، برای مثال در اوایل دوران صنعتی‌شدن، ممکن است به دلیل افزایش نابرابری در یک کشور، سرعت رشد اقتصادی بسی فراتر از بهبود خوشبختی یک شهروند عادی بوده باشد. برای فهم کامل‌تر الگوهای بلندمدت توسعهٔ اقتصادی جهان باید چشم‌انداز بسیار وسیع‌تری از خوشبختی مردم داشته باشیم. این مضمونِ غالبی است که انگیزه‌بخش کار ما بوده است.

در فصول بعدی به شاخص‌های دیگر ابعاد خوشبختی ازجمله دستمزدهای واقعی کارگران غیرماهر (برای دستیابی به روندهای کف هرم درآمد)، امید به زندگی، طول قد، دسترسی به آموزش و کیفیت نهادها (ازجمله حقوق انسانی و سیاسی)، نابرابری جنسیتی و نابرابری درآمدی پرداخته می‌شود. افزون بر این‌ها شاخص‌های تنش زیست‌محیطی نیز ارائه شده است. این شاخص‌ها، به شیوه‌ای نظام‌مند، با تکیهٔ خاص بر قابلیت مقایسهٔ کشورها در طول زمان، عیناً مطابق با روش مدیسون ساخته شده است. برگزیدن شاخص‌های خاص با الهام از رویکرد چندبُعدی به خوشبختی صورت گرفته که سازمان همکاری و توسعهٔ اقتصادی در **ابتکار زندگی بهتر** از آن بهره برده است. توجه اصلی این گزارش به دورهٔ پس از انقلاب صنعتی است، چون افزون بر این‌که فرایند واگرایی جهانی در این دوره آشکارا فزونی یافت، داده‌های تاریخی و برآوردها نیز برای این دوره نسبتاً بسنده است.[۱] براساس این شاخص‌ها مجموعه‌ای از روندهای خاص را در اختیار می‌گذاریم که اقتصاد کل جهان و همهٔ مناطق را در بر می‌گیرد. محدودیت داده‌ها موانع و مشکلاتی را بر شاخص‌ها و کشورهایی که می‌توان پوشش داد تحمیل می‌کند، اما به لطف نبوغ مورخانی که با انبوه گوناگونی از منابع کار می‌کنند توانسته‌ایم ابعاد مختلف خوشبختی را، به شیوه‌ای که امید می‌رود قابل قبول باشد، بازسازی کنیم.

باور داریم تهیهٔ سری‌های زمانی بلندمدت شاخص‌های خوشبختی، گذشته از ارضای حس کنجکاوی تاریخی و علمی، دارای ارزش افزوده است. کارآمدی آن‌ها برآمده از آگاهی فزاینده از این نکته است که فرایند رشد و توسعهٔ اقتصادی دارای ریشه‌های ژرف تاریخی است. نخستین نکته‌ای که آشکار شد این بود که بسیاری از تفاوت‌ها در خوشبختی از پیش از جنگ‌جهانی دوم وجود داشته است و این تفاوت‌ها به‌شدت پایدار است. تا آن‌جا که آثار جدید دربارهٔ تفاوت‌ها میان نهادها و مؤسسات نشان می‌دهند، این تفاوت‌ها نیز پایدار بوده‌اند. همچنین آن دسته از آثار اقتصادی که می‌گویند «تاریخ مهم است» رشد سریعی دارند، و این نکته به‌طور مشابه دربارهٔ کشورهایی که مسیر خود را تغییر داده و موفقیتی «فراتر از انتظار» در ایجاد خوشبختی برای شهروندان خود داشته‌اند نیز صادق است. اقتصادهای شرق آسیا، ژاپن

۱. البته اخیراً برای دورهٔ پیش از سال ۱۸۲۰ کارهای تازهٔ فراوانی صورت گرفته است. برای مرور این موضوع ببینید:
Bolt and Van Zanden (2014)

در مقام نخست، کره در پی آن، سنگاپور و چین، مواردی ازاین‌دست است. آیا معجزهٔ اقتصادی شرق آسیا به همان نسبت باعث افزایش شگرف خوشبختی شده است؟ عملکرد هند چگونه باید ارزیابی شود؟ و چگونه ایالات‌متحده در بلندمدت با قاره‌نشینان اروپای غربی و نهادهای اجتماعی و سیاسی متفاوتشان مقایسه می‌شود؟ این‌ها شماری از پرسش‌هایی است که می‌توانیم براساس داده‌های تاریخی ارائه‌شده در این کتاب درصدد پاسخگویی به آن‌ها برآییم.

سن (برای مثال نک: ۱۹۹۳) و نوسبام[1] (۲۰۰۰) ایده‌های اساسی برای پرداختن به خوشبختی را واضح‌تر از سایرین ارائه کرده‌اند. چارچوب نظری‌ای که سن طراحی کرده است مبتنی بر تمایز کارکردها و قابلیت‌هاست. کارکردها را می‌توان دستاوردهای واقعی یک فرد تفسیر کرد، یعنی آنچه او توانسته انجام دهد یا می‌تواند انجام دهد. به دیگرسخن کارکردها فعالیت‌های یک فرد و چگونگی زیست او، برای مثال این‌که او در سلامتی جسمانی باشد، بتواند آزادانه جابه‌جا شود و نظایر آن‌ها، را در بر می‌گیرد. قابلیت‌ها توانایی‌های واقعی فرد برای به‌دست‌آوردن این کارکردهاست، یعنی آزادی‌های فرد برای انتخاب میان راه‌های مختلف زندگی[2]. تازگی و امتیاز این رویکرد [مبتنی بر تفکیکِ کارکردها و قابلیت‌ها] این است که دیدگاه سودجویانه و متمرکز بر منابع مالی دربارهٔ خوشبختی که رفاه اقتصادی را صرفاً منوط به کسب درآمد یا ثروت می‌داند وامی‌نهد، و به‌این‌ترتیب ما را قادر می‌سازد که به زندگی به‌عنوان ترکیبی از «کرده‌ها و زیسته‌ها»ی مختلف بنگریم، با این وصف که کیفیت زندگی در قالب توانایی دست‌یافتن به کارکردهای ارزشمند ارزیابی شود (سن، ۱۹۹۳). این چارچوب را، به‌رغم آن‌که به لحاظ نظری جذاب است، به‌سختی می‌توان برای انجام پژوهش‌های تجربی به کار گرفت. ازاین‌رو نوسبام (۲۰۰۰) ده گروه مختلف از قابلیت‌ها را تعریف می‌کند که در چارچوب سن قرار گرفته و به فائق‌آمدن بر مشکلات مربوط به اندازه‌گیری تا حدی کمک کرده است.[3] برخی از این قابلیت‌های مرتبط با ابعاد خوشبختی که سازمان همکاری و توسعهٔ اقتصادی در گزارش خود با عنوان **زندگی چگونه است**؟ به کار گرفته در این کتاب نیز استفاده شده است. برای مثال قابلیت‌های «زندگی» و «سلامت جسمانی» را می‌توان با «امید به زندگی» (فصل ۵) و «طول قد» (فصل ۶) اندازه گرفت. به‌طور مشابه «تمامیت جسمانی»[4] به «امنیت فردی» (فصل ۷) و «توانایی کنترل محیط‌زیست فرد» به «حقوق سیاسی» (فصل ۹) مربوط است و «کیفیت زیست‌محیطی» (فصل ۸) بیانگر قابلیت «گونه‌های دیگر جانداران» نوسبام است.

1. Nussbaum, Martha C.

2. Kuklys and Robeyns, 2004

۳. برخی از این قابلیت‌ها عبارتند از: ۱) زندگی، ۲) سلامت جسمانی، ۳) تمامیت جسمانی، ۴) حواس، ذهنیت و اندیشه، ۵) احساسات، ۶) انگیزهٔ عملی، ۷) وابستگی، ۸) گونه‌های دیگر جانداران، ۹) بازی و ۱۰) توانایی افراد در ادارهٔ محیط‌زیست خود.

4. Bodily integrity

* اصطلاح «تمامیت جسمانی» به تقلید از «تمامیت ارضی» ساخته شده است و به معنای اختیار بدن خود را داشتن و مصونیت فیزیکی جسم است و بر اهمیت خودمختاری شخصی و بر حق انسان‌ها در تعیین سرنوشت بدن خویش تأکید دارد (مترجمان).

مروری بر شاخص‌های مورد بررسی

برای انتخاب شاخص‌ها سه ملاحظه مدنظر قرار داشته است: نخست، آثار نظری نظیر فهرست قابلیت‌هایی که نوسبام مطرح کرده است؛ دوم، گزارش زندگی چگونه است؟ سازمان همکاری و توسعهٔ اقتصادی، که کتاب حاضر وجهی تاریخی به آن می‌افزاید؛ سوم، دردسترس‌بودن مجموعه‌داده‌های تاریخی و بین‌المللی قابل مقایسه. جدول ۱-۱ شاخص‌های مورد استفاده در این کتاب را به‌طورکلی معرفی می‌کند. هریک از شاخص‌ها در فصلی جداگانه آمده و به وجه مشخصی از خوشبختی می‌پردازد. محور بیشتر فصل‌ها یک شاخص کلیدی (نظیر تولید ناخالص داخلی سرانه) است، اما شاخصی منحصربه‌فرد برای همهٔ زمینه‌ها در دسترس نیست. ازاین‌رو فصول دیگر یا حاوی دو شاخص است (برای مثال در فصل ۹ دو سنجش در حوزهٔ حقوق سیاسی ارائه شده است)، یا حاوی شاخص‌هایی که رویکردهای مختلف به وجه مدنظر از خوشبختی را پوشش دهد (برای مثال در این گزارش نابرابری جنسیتی در شماری از روش‌های تکمیلی سنجیده شده است).

موضوعاتی که در این گزارش به آن‌ها پرداخته شده نمایانگر آن دسته از ابعاد خوشبختی است که در کتاب **زندگی چگونه است؟** سازمان همکاری و توسعهٔ اقتصادی تبیین شده است (در ادامه به جدول ۱-۱ نگاه کنید). به دلیل محدودیت داده‌ها، این گزارش شاخص‌های مربوط به شرایط مسکن، توازن میان کار-زندگی و ارتباطات اجتماعی را که در گزارش سازمان همکاری و توسعهٔ اقتصادی به آن‌ها پرداخته شده است در بر ندارد؛ برعکس، این کتاب شامل فصول مجزایی دربارهٔ نابرابری‌های جنسیتی و درآمدی در طول زمان است.[۱] دیگر محدودیت این گزارش تاریخی این است که خوشبختی یا خوشنودی ذهنی را ـاین‌که افراد، فارغ از وضعیتی که در آن قرار دارند، چقدر خوشحال هستندـ در بر ندارد. این نکته از آن جهت دارای اهمیت است که مثلاً در جوامع گذشتهٔ دور آن نوع تحقیقاتی که امروزه برای نشان‌دادن روایت‌های شخصی افراد از خوشبختی ذهنی‌شان به کار می‌رود وجود نداشته است. ازاین‌رو نحوهٔ پرداختن به این شاخص‌ها با ابعاد مطرح در گزارش **زندگی چگونه است؟** متفاوت است، اما هدف همان است (یعنی ارائهٔ تصویری متوازن‌تر و چندبُعدی‌تر از خوشبختی).

در ادامه به معرفی هریک از این شاخص‌ها می‌پردازیم و به‌اجمال دربارهٔ منطق انتخاب هرکدام بحث می‌کنیم. فصل ۲ که دربارهٔ روندهای جمعیت‌شناختی است، زمینهٔ بحث را برای ادامهٔ کتاب، با بیان گزارش کوتاهی دربارهٔ تحولات جمعیت جهان از سال ۱۸۲۰ تاکنون، فراهم می‌کند. فصل‌های پس از آن شواهد مربوط به ابعاد مختلف خوشبختی را در بر دارد:

۱. در چارچوب کتاب **زندگی چگونه است؟** نابرابری به‌عنوان مضمونی همپوشان لحاظ شده و به‌جای آن‌که به بُعدی منفرد مربوط باشد با هر یک از یازده بُعد خوشبختی فعلی ارتباط دارد. محور اساسی کتابی که سازمان همکاری و توسعهٔ اقتصادی در ۲۰۱۳ منتشر کرده است تفاوت‌های جنسیتی در خوشبختی است.

- **تولید ناخالص داخلی سرانه** در فصل سوم، براساس مجموعه‌داده‌های (روزآمدشدهٔ) مدیسون، دربارهٔ روندهای رشد اقتصادی در اقتصاد جهانی بحث می‌شود.
- **دستمزدهای واقعی** رویکردی که در فصل چهارم پیش گرفته می‌شود مبتنی بر مدنظر قراردادن دستمزدهای واقعی کارگران غیرماهر است؛ بدین طریق وجه دیگری از رفاه مادی بررسی می‌شود -این‌که این افراد تا چه اندازه از رشد تولید ناخالص داخلی بهره‌مند هستند (یا نیستند).
- **آموزش** جزئی اساسی از خوشبختی است. در فصل پنجم داده‌های تازه‌ای دربارهٔ میزان دسترسی جمعیت جهان به محیط آموزشی ارائه می‌شود.
- **امید به زندگی** که بیانگر وضعیت سلامت جمعیت و از دیگر ابعاد بنیادی قابلیت‌های افراد است در فصل ششم مورد بررسی قرار می‌گیرد.
- **طول قد** که شاخص مهمی برای ترسیم کیفیت سلامت جسمانی و تغذیه، به‌ویژه در دوران کودکی، است در فصل هفتم به بحث گذاشته می‌شود.
- **امنیت فردی** از دیگر عوامل مؤثر بر خوشبختی است که «تمامیت جسمانی» را نشان می‌دهد و با نرخ قتل و رخداد جنگ سنجیده می‌شود. این شاخص در فصل هشتم مورد بررسی قرار می‌گیرد.
- **نهادهای سیاسی** که به افراد اجازه می‌دهند در تصمیم‌گیری سیاسی و از این طریق در کنترل محیط سیاسی خود مشارکت داشته باشند در فصل نهم مورد بررسی قرار می‌گیرند.
- **کیفیت محیط‌زیست** که آشکارا به خوشبختی بلندمدت مربوط است و به ثبات رشد اقتصادی در طول زمان یاری می‌رساند در فصل دهم بررسی می‌شود.
- **نابرابری درآمد** که به توزیع درآمد در کشورها مربوط است و تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر خوشبختی دارد موضوع فصل یازدهم است.
- **نابرابری جنسیتی** اگر نگوییم بر خوشبختی همهٔ مردمان جهان، دست‌کم بر نیمی از آن‌ها بسیار تأثیر گذار است. این شاخص در فصل دوازدهم بررسی می‌شود.
- **دیدگاه‌های ترکیبی دربارهٔ خوشبختی** در فصل پایانی ـ سیزدهم ـ مورد بحث قرار می‌گیرد، که این فصل البته جمع‌بندی نتایج اصلی این کتاب نیز هست.

دسترسی به مجموعه‌داده‌های قابل مقایسهٔ تاریخی و بین‌المللی دربارهٔ شاخص‌های مختلف متفاوت است. دو شاخص نخست، یعنی تولید ناخالص داخلی سرانه و دستمزدهای واقعی، پرکاربردترین شاخص‌ها در تاریخ اقتصاد است، زیرا مجموعه‌داده‌های بزرگی برای آن‌ها در دسترس است. این دو شاخصْ ابعاد مادی شرایط زندگی را پوشش می‌دهند و به‌خوبی یکدیگر را تکمیل می‌کنند: تولید ناخالص داخلی میانگین سرانهٔ ورودی و خروجی اقتصاد را می‌سنجد و دستمزدهای واقعیْ درآمدهای

کف هرم درآمد را نشان می‌دهد. در فصل ۱۱ به نابرابری درآمدی پرداخته شده است. در گروه دوم از فصول این کتاب به کیفیت زندگی (یعنی وجوه غیرمادی خوشبختی) پرداخته می‌شود، ازجمله دسترسی به آموزش (فصل ۵)، امید به زندگی (فصل ۶)، «معیار زیست‌شناسانهٔ زندگی»[1] که در پرتو بهبود طول قد افراد جامعه تبیین می‌شود (فصل ۷)، امنیت فردی (فصل ۸)، و حقوق سیاسی (فصل۹). برای همهٔ این ابعاد، داده‌های تاریخی نسبتاً خوبی در دسترس است که البته برای مجموعهٔ محدودی از کشورها ترسیم روندهای بلندمدت را ممکن می‌سازد. فصل ۱۰ برآوردهای تاریخی از نمایه‌های مختلف دربارهٔ کیفیت محیط‌زیست نظیر (ازدست‌رفتن) تنوع زیستی و افزایش آلودگی (دی‌اکسید گوگرد) را در بر دارد: با آن‌که این فصل به بسیاری از کشورها می‌پردازد، اما داده‌های تاریخی آن کم‌وبیش ضعیف و بیش از هر چیز بر مدل‌های برآوردی متکی است. در فصل ۱۲ برای پرداختن به نابرابری جنسیتی به‌نسبت داده‌های تاریخی خوبی در دسترس است. در فصل ۱۳، با بهره‌بردن از روش‌های مختلف تجمیع روندهای مشخص‌شده در فصل‌های پیشین، به توصیف روندهای بلندمدت خوشبختی در سراسر جهان پرداخته شده است. هدف از این فصلِ پایانی که به‌شدت برآوردی و فرضی است، ترسیم گام‌هایی است که می‌توان برای ارائهٔ سنجشی جامع از روندهای بلندمدت خوشبختی برداشت.

همهٔ فصل‌ها حاوی آخرین مجموعه‌داده‌ها دربارهٔ تحولات ابعاد مختلف خوشبختی است که بسیاری‌شان نتیجهٔ تحقیقات اخیر گروه کلیو-اینفرا در همکاری با کارشناسان این حوزه‌های مشخص (نظیر پروژهٔ مدیسون) است. اغلبِ نتایج این پژوهش پیش‌تر در نشریات بین‌المللی منتشر شده است (فهرست آثار منتشرشده در فصل‌های مختلف را ببینید). این پژوهش براساس روش‌های پژوهشی مختلفی بنا شده است: آثار علمی دربارهٔ محاسبات مالی تاریخی کشورها، به‌قدر کفایت، از دههٔ ۱۹۵۰ به بعد موجود است، اما دربارهٔ مواردی چون روندهای بلندمدت امنیت فردی یا کیفیت محیط‌زیست پژوهش‌های مشابه به‌تازگی آغاز شده است. روشن است که این امر بر دقت مجموعه‌داده‌های تاریخی ارائه‌شده در این کتاب نیز تأثیر گذاشته است. این گزارش نه‌تنها منابع تاریخی و داده‌ای موجود دربارهٔ ابعاد خوشبختی را بررسی می‌کند، بلکه پژوهشگران را برای گسترش مجموعه‌داده‌های موجود و تولید داده‌هایی با دقت بسیار بالاتر به چالش می‌کشد.

در این‌جا نیز همانند اکثر مطالعات تطبیقی واحد مورد مطالعه کشور است و این گزارش نوعاً از مقادیر میانگین هر کشور استفاده کرده است. داده‌هایی که برای این گزارش استفاده شده است، از طریق نشانی اینترنتی شناسهٔ محتوای دیجیتال[2]، که درست زیر منبع هریک از جداول و نمودارها آمده است، به‌صورت برخط در دسترس است. مجموعه‌داده‌های جزئی‌تر و کامل‌تر در تارنمای کلیو-اینفرا[3] موجود است.

1. biological standard of living
2. Digital Object Identifier (DOI)
3. www.clio-infra.eu